

تداوم آیین‌های شهرداری و دیوان‌سالاری ایران باستان در خلافت اسلامی

مه‌رناز به‌روزی، استادیار دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، گروه تاریخ، تهران، ایران.

چکیده

عرب شبه‌جزیره عربستان با پذیرفتن اسلام وارد مرحله جدیدی از شیوه حکومت شدند. کشورگشایی و فتح سرزمین‌های جدید از زمان ابوبکر آغاز شد اما فتوح اصلی از زمان خلیفه دوم شکل جدیدی به خود گرفت. اعراب تازه‌مسلمان به نام اسلام به نواحی مختلف از جمله امپراتوری ایران هجوم بردند و در این هجوم بسیاری از سرزمین‌ها فتح شدند. عرب با فتح سرزمین‌های شرقی با گستره‌ای از شهرها و روستاها برخورد که اداره آن نیاز به بررسی دقیق، مساحی و سرشماری مضمولان باج و خراج داشت. با توجه به این‌که فاتحان دارای پیشینه تمدنی نبودند و بسیاری از آیین‌های ملک‌داری را نمی‌دانستند نیازمند نیروهای ورزیده و دانشمند سرزمین‌های مفتوح شدند. بنابراین، فاتحان عرب با یاری نومسلمانان ایرانی و آشنایی با دیوان‌سالاری گسترده ساسانی به طراحی دوباره همان تشکیلات اداری با تغییراتی جزئی پرداختند. بهترین یاری‌گران آن‌ها در اداره این دیوان‌ها و برپایی آیین‌های شهرداری، خاندان‌های اصیل ایرانی بودند که موجب انتقال آیین‌ها و سنن شهرداری ایرانی به حکومت‌های اسلامی شدند. بدین گونه این مسئله مطرح می‌شود: آیین‌ها و سنن شهرداری ایران باستان در چه زمینه‌هایی از خلافت اسلامی تداوم یافت؟ مطابق با مسئله مطرح‌شده، هدف این مقاله، بررسی پیامدهای تداوم آیین‌ها و سنن شهرداری ایران باستان در خلافت اسلامی است. نگارنده جهت بررسی متغیرهای تداوم آیین‌ها و سنن شهرداری ایران باستان و خلافت اسلامی از روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و اسنادی به شیوه کتابخانه‌ای بهره برده و به این نتیجه دست‌یافت: حاکمان عرب مسلمان با گماردن ایرانیان در مصادر اداری و دیوانی نه‌تنها به قوام و استحکام بنیان‌های خلافت اسلامی یاری رساندند، بلکه با استعانت از آن‌ها در جهت برپایی آیین‌ها و سنن شهرداری، موجب تداوم و استمرار ملک‌داری ایرانی به دوره اسلامی شدند.

واژگان کلیدی: آیین‌های شهرداری، دیوان‌سالاری، ساسانی، ایرانیان، خلافت اسلامی.

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۲۹

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۷/۱۳

E-mail: mehrnaz_behroozi@yahoo.com

مقدمه

شاهنشاهی ساسانی به دلیل وسعت و ارتباط فراگیری که با ملل تابعه و سایر دولت‌های هم‌زمان با خود داشت و نیز علاقه‌مندی پادشاهان این سلسله به آداب ملک‌داری و تشریفات و عظمت دربار خویش، دارای تشکیلات اداری منظم بود. هم‌جواری عرب ابتدا از طریق حیره عامل مؤثری در انتقال نفوذ سازمان‌های یادشده بود و آنچه آن را بیشتر تقویت کرد، فتوح مسلمانان در زمان خلیفه دوم بود. دور بودن عرب از آیین‌ها و سنن شهریاری و همچنین پرهیز وی از هرگونه صنعت و حرفه - که دور از شأن خود می‌دانست- و فقدان سابقه در امور دیوانی و مالی از عواملی بود که به هنگام روبراوی عرب با ایرانیان آن‌ها را به تسلیم در برابر تشکیلات گسترده شهریاری ساسانیان واداشت تا آنجا که عرب در آغاز فتوح، تمامی امور اداری و دیوانی خود را و در دوران عباسی تمامی شئون خلافت را در دست ایرانیان نهاد. وجود خاندان‌های بزرگ ایرانی که دارای سوابق درخشان در وزارت، دبیری و کتابت بودند و راه یافتن ایشان به دربار خلفا از عوامل پایداری آثار فرهنگ و تمدن ایران در دوران اسلامی است. عرب در ضرب سکه، تدوین دیوان، تاریخ‌گذاری، اخذ مالیات‌ها، آداب و تشریفات درباری و ملک‌داری، وامدار ایرانیان گردید. علاقه‌مندی وزیران، دبیران و حتی کاتبان و مؤدیان مالیاتی به آداب‌ورسوم گذشته و پس‌از آن، توجه حاکمان سلسله‌های محلی به این نکته، عرب را در زمینه‌های فوق بیشتر تحت نفوذ و سیطره قرار داد تا آنجا که اساس ساختار حکومتی خود را بر دیوانسالاری ساسانیان نهاد و حتی در برخی موارد نادر که خود به ایجاد سازمانی اقدام نمود آن نهاد نیز کاملاً از نفوذ آیین‌های شهریاری ایرانی به دور نماند. بدین گونه این سؤال اساسی مطرح می‌شود: آیین‌ها و سنن شهریاری ایران باستان در چه زمینه‌هایی از خلافت اسلامی تداوم یافت؟

با توجه به نقش گسترده اطلاعات در جهان و استعمال آن برای تغییر افکار وسیعی از آحاد مردم در جهت مقاصد خاص سیاسی - اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی و همچنین دادوستد اطلاعات درست و نادرست در بین اقشار مختلف مردم جوامع گوناگون از جمله جوامع اسلامی این شبهه را به وجود آورده است که گویی بسیاری از مسائل فرهنگی - اقتصادی، اجتماعی - سیاسی از غرب و کشورهای اروپایی به سرزمین‌های اسلامی منتقل شده است. بنابراین، تحقیق در زمینه ساختارهای فرهنگی و تمدنی و انتشار و در دسترس قرار دادن نتایج تحقیقات مزبور در نزد عموم، نه تنها به زدودن این شبهات کمک می‌کند، بلکه با جستجو و بررسی‌های دقیق‌تر به فهم و درک بهتر فرهنگ و تمدن اسلامی یاری می‌رساند. بدین گونه این پژوهش در راستای مطالب ذکرشده در جهت فهم و درک آیین‌ها و سنن

شهرداری ایران باستان در خلافت اسلامی ضرورت دارد تا با جایابی صحیح احیا دیوانسالاری در گذشته، هم نقش و تأثیر ایرانیان را در این مسئله نشان دهد و هم این که تداوم مسئله مزبور را در یکی از برهه‌های تاریخی - اموی و عباسی - که خود مبنای ساختاری دوره‌های دیگر قرار گرفت، بیان کند. این تحقیق با استفاده از روش تحقیق تاریخی و کتابخانه‌ای فرضیه ذیل را تدوین نمود: به نظر می‌رسد فقدان سازمان حکومتی منسجم و عدم پیشینه‌ی دیوانی و اداری در نزد اعراب موجب به‌کارگیری حاکمان مسلمان از ایرانیان فاضل و خاندان‌های اصیل و آگاه در تشکیل و تداوم دیوان‌های اداری و مالی بود. بدین گونه، ایرانیان با برپایی و احیا آیین‌ها و سنن شهرداری باستانی ایرانی به‌ویژه ملک‌داری ساسانیان در خلافت اسلامی نه تنها نقش عمده‌ای در قوام و استحکام نظام دیوانی و خلافت اسلامی ایفا کردند، بلکه نقش مؤثری در تداوم این آیین‌ها و سنن به دوره‌ها و سلسله‌های بعدی داشتند. پژوهشگر جهت بررسی متغیرهای تداوم آیین‌ها و سنن شهرداری ایران و خلافت اسلامی ابتدا اقدام به گردآوری منابع دست‌اول و مأخذ در این زمینه نمود و سپس با توجه به هدف این پژوهش که بررسی پیامدهای تداوم آیین‌ها و سنن شهرداری ایران باستان در خلافت اسلامی است، با بهره‌گیری از روش تاریخی به تدوین و جمع‌بندی مطالب گردآوری‌شده و تحلیل آن پرداخته است.

آیین‌های شهرداری

شاهان ساسانی چهار سرشت داشتند: سرشت قدسی (فره ایزدی)، سرشت اخلاقی (راست‌گویی - عدالت‌خواهی)، سرشت سیاسی (برترین قدرت - برقراری نظم) و سرشت جنگجویی (دلآوری - پهلوانی). شهریار عامل پیوستگی زمین و آسمان بود. شاه دارنده فر می‌بایست دارای فضایل بسیاری باشد که برتری از همگان، دلیری، پیروزی، شجاعت و قدرت غلبه بر دشمن، راستی، خداپرستی، عدالت ورزی، دین‌گرایی و رستگاری از جمله آن‌ها می‌باشد (دینکرد، ۱۳۹۲: ۳۴۱). در واقع، فر ایزدی موهبتی از سوی خداوند است، که پس از تعلق به شاه، و درونی شدن در وی، تبعات و نتایج بیرونی از خود بروز می‌دهد که به لطف آن می‌تواند جهان را آباد کند، اختراع و اکتشاف نماید، با تباهی‌ها و سیاهی‌ها نبرد کرده و آن را شکست دهد و دنیا را به شادی و نیکی درآورد (دینکرد، ۱۳۹۲: ۳۳۶). شهریار دارای دو جایگاه نظری و عملی بود. جایگاه نظری او همان سرشت قدسی که صاحب فره ایزدی غیرقابل‌توصیف نماینده اهورامزدا بر روی زمین در جهت برقراری نظم و عدالت و اخلاق بود. جایگاه عملی او، جنگجویی، پهلوانی و فرماندهی کل قوا بود. این دو جایگاه اگر به‌خوبی ادا می‌شدند،

موجب پایداری شهریاری او می‌گشتند. بدین ترتیب، در امر شهریاری دو پدیده، اهمیت فوق‌العاده داشت: بحران جانشینی و بحران مشروعیت (وراثت - تبار). بدین گونه، در این بررسی دین و دولت با منشأ الهی سلطنت پیوند می‌یابد و این نگاه با توجه به بنیاد شهریاری قدیم ایران در حکومت‌های اسلامی احیا می‌شود. در تاریخ سیاسی قدیم ایران یا تاریخ شهریاری ایران توأمان بودن دین و دولت اندیشه‌ای دیرپاست. زردشتیان معتقدند: «دین و پادشاهی دو برادرند ... دین، بنیاد شهریاری است و شهریاری پاسدار دین» (عنایت، ۱۳۵۰: ۵۷). در اسلام نیز دین و دولت یا شریعت و سیاست یگانه‌اند. پیامبر اسلام فرموده‌اند: «دین و دولت توامانند» (عنایت، ۱۳۵۰: ۷۰).

در جامعه اسلامی که پیامبر تشکیل داد، الله مظهر قدرت مطلق بود و پیامبر اسلام خلیفه او و صاحب حکومت دین و دنیا، از این رو او را صاحب‌شریعت نیز می‌نامند. بنابراین، محمد (ص) علاوه بر جنبه ریاست روحانی، مرتبه سلطنت سیاسی نیز داشت. با رحلت پیامبر (سال ۱۱ هـ) بحث و مناقشه سیاسی در میان مسلمانان در گرفت و امت پیامبر خود را با مسئله خطیر انتخاب جانشین او روبرو دید. در این زمان مناقشاتی میان مهاجران و انصار در گرفت تا سرانجام هر دو طرف ابوبکر را به ریاست جامعه اسلامی و درعین حال رئیس حکومت شناختند، چه در آن زمان میان مفهوم جامعه دینی و دولت تفاوتی نمی‌شناختند و ابوبکر و جانشینان وی را خلیفه یعنی جانشین [پیامبر] خواندند (رجبی، ۱۳۷۷: ۱۹۲-۱۹۳). یکی از مسائلی که بین انصار و مهاجران در رابطه با جانشینی مطرح شد، این مسئله بود که خلیفه باید از قریش باشد، زیرا پیامبر از قریش بود. در این باره احادیثی را نیز روایت می‌کنند که جعلی هستند. بدین گونه در بحبوحه جانشینی بحث تبار و اصلیت را مطرح می‌کنند.

بعد از دوران خلفای راشدین، خلفا دین را دستاویز فرمانروایی ساختند و خلافت را به صورت سلطنت سلطنت درآوردند. معاویه، پسر خود یزید را به جانشینی برگزید و بدین سان یک خاندان شاهی بنیان نهاد و قضیه وراثت را در خلافت دخالت داد و از آن زمان این آیین پیوسته به جا ماند. «خلافت اموی در تاریخ اسلام نخستین سلطنت بود که در آن موضوع انتخاب را به صورت بیعت به ظاهر حفظ کردند» (حتی، ۱۳۴۴: ۲۳۷). معاویه با موروثی ساختن خلافت در خاندان خود اصطلاح «مُلک» را در تاریخ خلافت اسلامی وارد کرد. ابن خلدون و در مقدمه خود و نیز ابن طقطقی مؤلف تاریخ الفخری، حکومت بنی‌امیه را ترکیبی از دین با مُلک می‌دانند (ابن خلدون، بی تا: ۲/ ۳۷۸). مستوفی در تاریخ گزیده (۱۳۳۹: ۶۲۱) می‌گوید: «امرا ... در کار ملک فتنه اندیشیدند و قصد ارکان دولت داشتند». هنگامی که عباسیان در سال ۱۳۲ هجری حکومت را به دست گرفتند خلافت ایشان دولت نامیده شد. ابو یوسف، فرمانروای اسلامی را در حد اعلای قدرت مطلقه‌ای که مقتضی مقام اوست توصیف می‌کند و می‌گوید که «او این

قدرت را به خاطر حفظ امت در اختیار دارد، باید جهان باقی را بر دنیا برگزیند و به عدالت حکومت کند» (Rosental, 1958: 74). پاسداری عدل و دادگستری در شریعت و اصول سیاسی اسلام نیز همچون یکی از پایگاه‌های منصب خلافت بر آن تأکید شده است (ابن خلدون، بی‌تا: ۱/ ۴۳۲). نجوانی نجوانی حکایتی منسوب به سلطان محمود غزنوی را در دستورالکتاب آورده است که وقتی برادر سلطان غلامی را از آن خود رنجانید «سلطان فرمود: اگر سلطنت حق من است تو با تأدیب غلام خود چه چه تعلق داری» (۱۹۶۴: ۱۷۳). همچنین در این باب می‌آورد: «ضبط مملکت بی لشکر میسر نشود و از لشکر بی‌مال کاری نیاید و مال حاصل نشود مگر به عمارت و عمارت دست ندهد الا به عدل و سیاست. سیاست. اساس مجموع آبادانی و ملک‌داری بر عدل و سیاست است» (۱۹۶۴: ۲۱۶). غزالی در نصیحه الملوک با اشاره به حدیثی که عدل قوت سلطان و صلاح رعیت است، کسی را به جاه و پادشاهی سزاوارتر می‌داند که دل او جایگاه عدل باشد و عدل و دین را در پادشاه علامت بقای شوکت او می‌شمارد (رجبی، ۱۳۷۷: ۲۱۱). در مقابل، مهم‌ترین حقوق پادشاه بر رعیت، لزوم اطاعت از پادشاه و بزرگداشت او و ادای مال و خراج است (ابن طقطقی، بی‌تا: ۳۳). بدین ترتیب: «خلافت آن است که عموم مردم را به مقتضای شرع به انجام مصالح آخرت و مصالح دنیا که مربوط به آن است وادار کنند. زیرا کارهای دنیا در نظر شرع به مصالح آخرت پیوسته است. بنابراین، خلافت در حقیقت جانشینی از صاحب شرع در نگهداری دین و سیاست دنیاست» (ابن خلدون، بی‌تا: ۲۴۱).

نظریه منشأ الهی سلطنت که با عقیده پیوند دین و دولت ملازمت دارد در نوشته‌های حکمت‌آموز و تألیفات سیاسی ایران و اسلام همواره تکرار شده است. طاهر در نامه خود به فرزندش یادآور می‌شود که پادشاهی و ملک ویژه خداست، آن را به هر که خواهد می‌دهد و از آن که بخواهد بازستاند (ابن خلدون، بی‌تا: ۱/ ۶۱۴). همچنین غزالی در نصیحه الملوک می‌گوید: «خدا دو گروه را برگزید و آنان را بر دیگران فضل نهاد: یکی پیامبران و دیگر، ملوک را» (رجبی، ۱۳۷۷: ۲۰۵) و بدین ترتیب مخالفت با ملوک و سلاطین روا نیست و اطاعت از آنان واجب است. بر اساس همین باور است که خلفا خود را ظل الله می‌نامیدند. بر اساس حدیث «السلطان ظل الله فی الارض، یاوی الیه کلّ مظلوم» (مآوردی، ۱۹۷۳: ۱۳۷) و حدیث «الامام العادل یظله الله بظله، یوم لا ظل الاظله» (ثعالبی، ۱۹۹۰: ۴۰)، مقام ظل‌اللهی، موهبتی الهی است که نشان‌دهنده توأمان بودن دین و ملک است. این باور بر این بیان است که امام با داشتن ظل‌اللهی، برای قوام و التیام عالم و تدابیر منازل و مدن و انتظام امور بنی‌آدم برگزیده شده است تا بر اساس عدالت، نظم و نظام را میان توده مردم برقرار سازد. او سایه حق است و پناه هر مظلوم. بنابراین، باید بیدار باشد و در جاده عدل و احسان ثابت‌قدم باشد.

وضعیت اداری و دیوانی مسلمانان در زمان خلفای نخستین

پیش از آغاز فتوح در ایران، عرب از طریق حیره (عراق) با ایرانیان در زمینه‌های مختلف و به‌ویژه در امور بازرگانی و تجاری ارتباط داشت. گستردگی شاهنشاهی ساسانی و نفوذ آن دولت در حیره و عدم پیشینه عرب در امور مالی و دیوانی مانند ضرب سکه موجب رواج سکه‌های ساسانی در سرزمین یادشده و بخش‌های عمده‌ای از حجاز گردید و بیشتر مبادلات عرب با سکه‌های کسروی جریان داشت (Walker, 1976: 3-5). یحیی بن آدم نیز به رایج بودن درهم ایرانی در عراق اشاره دارد (یحیی بن آدم، بی‌تا: ۵۲). در عصر پیامبر اکرم (ص) نیز این مسئله همچنان رایج بود و زکات و جزیه با سکه‌های کسروی اخذ می‌شد (مقریزی، ۱۴۰۷ ق: ۷). به گزارش بلاذری پیامبر (ص) دختر خود فاطمه (س) را با مهریه‌ای به میزان ۴۸۰ درهم کسروی به ازدواج علی بن ابیطالب (ع) درآورد (بلاذری، ۱۸۶۵ م: ۴۶۶). از خلفای راشدین عمر بن خطاب (۱۳-۲۳ ق) نخستین کسی بود که به ضرب سکه اقدام کرد. خلیفه دوم در سال ۱۸ هجری سکه‌ای با نقش کسروی ضرب نمود و عباراتی چون: الحمدلله، محمد رسول الله، لا اله الا هو و در برخی سکه‌ها نام خود (عمر) را افزود (مقریزی، ۱۴۰۷ ق: ۸). این سکه که بغلیه نامیده می‌شد و دارای عبارت فارسی «نوش خور» (بیهقی، بی‌تا: ج ۲، ۲۳۶) و نقش آتشکده بود (سالم، ۱۴۰۶ ق: ۵۲۴). به عثمان بن عفان (۲۳-۳۵ ق) و علی (ع) (۳۵-۴۰ ق) نیز ضرب سکه نسبت داده‌شده است (حلاق، ۱۹۸۶ م: ۲۴) ولی نقشبندی ضرب سکه در زمان علی (ع) را نپذیرفته و تاریخ مضروب در روی سکه (۴۰ ق) را اشتباه، و تاریخ صحیح آن را سال ۹۰ هجری می‌داند (نقشبندی، ۱۳۸۹ ق، ج ۳، ۱). خلیفه دوم کسی است که تاریخ‌گذاری نیز به او نسبت داده‌شده است وی در سال ۱۷ یا ۱۸ تاریخ مسلمانان را بر اساس هجرت پیامبر (ص) بنا نهاد (جهشپاری، ۱۴۰۸ ق: ۱۹؛ بیهقی، بی‌تا: ج ۲، ۶۸). البته پیش‌ازاین در زمان پیامبر (ص) به ثبت تاریخ هجری نیز اشاره‌شده است (طبری، ۱۴۰۷ ق: ج ۱، ۵۱۱) ولی تاریخ‌گذاری به‌عنوان امری رایج و تاریخی واحد، یکی دیگر از تأثیرات برخورد عرب با ایرانیان و حکومت ساسانی بوده است. مقدسی در قرن چهارم هجری تاریخ‌گذاری دیوان‌های فارس را بر اساس روز و ماه پارسی ذکر کرده است (مقدسی، ۱۹۰۶ م: ۴۴۱).

با فتح ایران در زمان خلیفه دوم، عرب با کثرت غنائم و تعداد رو به افزایش اسیران روبرو گردید (ابن اعثم، بی‌تا: ج ۲۶۱ - ۶۲؛ ابن طقطقی، بی‌تا: ۷۸ و ۸۲). آمدن ابوهیریه از بحرین با مالی فراوان به میزان ۵۰۰ هزار درهم خلیفه را شگفت‌زده کرد و وی را واداشت تا با اطرافیان، در خصوص چگونگی استفاده و مصرف این مال مشورت کند. پس‌ازآنکه عثمان و علی (ع) توصیه‌هایی در مورد نحوه مصرف و نگهداری آن ابراز داشتند، برخی خلیفه را به تشکیل دیوان ترغیب کردند. برخی منابع در این زمینه، از ایرانیانی به نام‌های

فیروزان (هرمزان) که در مدینه اقامت داشته‌اند، یادکرده‌اند (جهشپاری، ۱۴۰۸ ق: ۱۷). بعضی نیز علاوه بر هرمزان به خالد بن ولید، که نظام اداری و مالی رومیان را در شام مشاهده کرده بود، اشاره کرده‌اند (ابن خلدون، بی‌تا: ج ۱، ۲۴۳). با آنکه سیوطی از ولید بن هشام بن مغیره یاد می‌کند (سیوطی، ۱۴۰۶ ق: ۱۶۰) ولی به نظر نمی‌رسد نام افراد غیر ایرانی دلیل موجهی بر تأثیر دیوانسالاری رومی در دیوانسالاری اسلامی، لااقل در ایران باشد.

به دلیل آنکه همگی مسلمانان سپاهی محسوب می‌شدند نخستین دیوان مسلمانان دیوان عطا یا دیوان جند بود (ابن طحطقی، بی‌تا: ۸۳)، قدامه بن جعفر نیز از دیوان الجیش به‌عنوان اولین دیوان یاد کرده است (قدامه بن جعفر، ۱۹۷۹ م: ۲۱). عمر به عقیل بن ابی‌طالب، مخرمه بن نوفل و جیبر بن مطعم دستور تشکیل دیوان داد. اینان نویسندگان قریش بودند و در ترتیب دیوان از خویشاوندان پیامبر (ص) آغاز، و به سایر مسلمانان ختم نمودند (۲۰ هجری) (ابن خلدون، بی‌تا: ج ۱، ۲۴۳). سبقت در اسلام و خویشاوندی با پیامبر (ص) عامل مهمی در تعیین میزان عطا بود (سیوطی، ۱۴۰۶ ق: ۱۴۷). ظاهراً وجود دیوان در نزد کسرایان دلیل موجهی برای تدوین آن نزد عرب بوده است (ابن طحطقی، بی‌تا: ۸۳). وجود دیوان موجب ضبط دخل و خرج و عدم وارد آمدن خلل در عطای اهل عطا بود. به همین دلایل خلیفه دستور استخدام کتاب در دیوان را صادر کرد (همان: ۲۸۴). هرچند برخی مؤلفان وجوه اشتقاق دیگری را برای جزیه ذکر کرده‌اند (قدامه بن جعفر، ۱۹۷۹ م: ۲۱۵؛ مآوردی، ۱۴۰۹ ق: ۱۸۱، ابویعلی، ۱۴۰۳ ق: ۱۵۳)، اما قوانین و مقررات مربوط به این مالیات شباهت بسیار زیادی به گزیت ساسانی دارد و خوارزمی نیز این کلمه را معرب گزیت فارسی می‌داند (خوارزمی، بی‌تا: ۴۵). از موارد شباهت جزیه به گزیت فارسی، می‌توان به تقسیم مالیات‌دهندگان به طبقات ثروتمند، میان حال و فقیر، رعایت بنیه مالی مالیات‌دهندگان، معاف بودن برخی طبقات از پرداخت مالیات که در نظام اسلامی خود مسلمانان و در نظام ساسانی طبقات بالای اجتماع را شامل می‌گردید (ابن اثیر، بی‌تا: ج ۱، ۴۵۵؛ قمی، ۱۳۱۳: ۲۱۹) اشاره کرد.

به گزارش بلاذری، علی (ع) به عمال خود دستور داد از دهقانانی که بر مرکب عالی سوار می‌شدند و انگشتی طلا به دست می‌کنند؛ ۴۸ درهم و از بقیه مردم ۱۲ درهم جزیه بگیرند (بلاذری، ۱۸۶۵ م: ۴۷۲). البته در اخذ جزیه از مجوس و اینکه آیا می‌توان ایشان را جزء اهل جزیه به شمار آورد خلیفه و سایر مسلمانان با مشکل روبرو گردیدند اما جزیه گرفتن پیامبر (ص) از مجوس هجر موجب پیروی خلیفه از پیامبر (ص) و در نتیجه کثرت جزیه دهندگان گردید (ابوعبید، ۱۹۸۸ م: ۳۹، ۴۲). برخلاف نظر ابن خلدون که اعتقاد دارد ملت مغلوب شیفته گروه غالب گردیده و در امور خود از ایشان پیروی می‌کنند و بعد به سرعت به سوی نیستی و انقراض می‌روند (ابن خلدون، بی‌تا: ج ۱، ۱۴۷) این عرب بود که به ادعان خود ابن خلدون به دلیل

دوری از سیاست‌گذاری تمامی امور خود را به عجم (ایرانیان) واگذار کرد (همان: ج ۱، ۲۳۷) و بالطبع تحت تأثیر فراوان فرهنگ و تمدن ایران قرار گرفت.

با فتح سرزمین‌های غنی و آبادان سواد (عراق) که متعلق به کسری و نزدیکان و درباریان وی بود (قدامه، ۱۹۷۹ م: ۲۱۷) مسلمانان در مالیه خود با پدیده نوری دیگر به نام خراج که متأثر از نظام کشاورزی ساسانیان بود، روبرو گردیدند. هرچند خلیفه پس از مشورت با صحابه از تقسیم این زمین‌ها بین مجاهدان خودداری کرد و موجبات رنجش ایشان و بعدها فرزندان آنان را فراهم ساخت (طبری، ۱۴۰۷ ق: ج ۴، ۸۸)، ولی تدبیری بود که منجر به حفظ نظام کشاورزی این منطقه گردید. عدم واگذاری زمین‌ها به عرب و اذعان خلیفه به اینکه ایشان از کشاورزی آگاهی ندارند (همان: ج ۴، ۸۸) دلیل بسیار خوبی در تأثیرگذاری ایرانیان در مسئله خراج بر مسلمانان است. به‌ویژه آنکه در هیچ‌یک از منابع قبل و صدر اسلام با چنین کلمه‌ای هرگز برخورد نکرده‌ایم و این در حالی است که ما می‌دانیم پیامبر (ص) با یهودیان مدینه پیمان‌هایی در مورد زمین‌های ایشان بسته بوده‌اند (همان: ج ۲، ۸). اعزام عثمان بن حنیف برای مساحی زمین‌های سواد (قدامه بن جعفر، ۱۹۷۹ م: ۲۲۱، ۳۶۶) و انجام این کار بالطبع بدون یاری ایرانیان و دهقانان هرگز تحقق نیافته است. در قرآن هم کلمه خراج تنها یک‌بار در سوره مؤمنون (آیه ۷۲) و مسلماً در معنایی غیر از مالیات بر اراضی آمده است. برخی مستشرقان نیز آن را برگرفته از Karagh می‌دانند که در زبان پهلوی عبارت از مالیات بر اراضی بوده و احتمالاً در زمان هخامنشی، از زبان آرامی وارد زبان پهلوی شده است (Bosworth, 1978: 1099).

نداشتن مأخذ شرعی برای خراج از نظر ماوردی و نیز عدم تعیین حداقل و حداکثر آن (ماوردی، ۱۴۰۹ ق: ۱۸۱) دلیل دیگری بر آن است که خراج برگرفته از فرهنگ غیر عرب است و از زمان عمر به بعد است که ما شاهد کاربرد لفظ خراج در کنار جزیه هستیم (یعقوبی، ۱۳۷۹ ق: ج ۲، ۱۴۷). اخذ خراج از عراق آن‌چنان مهم بود که علی (ع) زیاد بن ابیه را که فردی بسیار کارآمد بود، به کار خراج و دیوان عراق گماشت و او را به حفظ آن توصیه فرمود (جهشیری، ۱۴۰۸ ق: ۲۱) پیروی عرب از سال مالی ایرانیان (نوروز) و مبدأ قرار دادن آن برای اخذ خراج نیز از نکات دیگری است که نشان از تأثیر دیوانسالاری ساسانی در امور مسلمانان دارد (بیرونی، ۱۹۲۳ م: ۳۱ - ۳۳). نکته دیگر آنکه در ایران مقارن با ظهور عرب نظام کشاورزی عهد انوشیروان رواج داشت. این نظام به نفع کشاورز، و وی مکلف بود سالانه به نسبت مقدار اراضی که در دست داشت مبلغی مقطوع به‌عنوان خراج بپردازد و در برداشت محصول آزادی کامل داشته باشد. این مسئله تا آمدن اسلام ادامه داشت و مسلمانان نیز اساس نظام خراجی خود را بر آن نهادند (نک: ثعالبی، بی‌تا، ۶۰۶ و ۶۱۰؛ ابن اثیر، بی‌تا، ج ۱، ۴۵۵).

وضعیت اداری و دیوانسالاری در دوره اموی (۴۱-۱۳۲ ق)

پس از خلفای راشدین، معاویه و سایر خلفای اموی و همچنین افرادی مانند عبدالله و مصعب بن زبیر به ضرب سکه اقدام کردند و با آنکه همانند دوران راشدین عباراتی اسلامی بر سکه‌ها ضرب و بر برخی از سکه‌ها نام خلفا یا امرا به جای نام کسری به حروف پهلوی و در بعضی با حروف کوفی نقش گردید (بلاذری، ۱۸۷۵ م: ۴۶۶، ۴۶۸؛ نقشبندی، ۱۳۸۹ ق: ج ۱، ۱؛ حلاق، ۱۹۸۶: ۲۳-۲۴)، ولی تا زمان عبدالملک بن مروان (۶۵ - ۸۵ ق) خلیفه مقتدر اموی تنها سکه‌های ساسانی در معاملات رسمی رواج داشت پس از آنکه در سال ۷۷ هجری نخستین سکه اسلامی ضرب شد با دو سال تأخیر در سال ۷۹ هجری ضرب سکه‌های ساسانی متروک گردید (مقریزی، ۱۴۰۷ ق: ۷-۹ و ۱۵). با روی کار آمدن امویان و تمایل حاکمان این خاندان به ویژه معاویه (۴۱-۶۰ ق) به تجمل و اشرافی گری خلافت صیغه ساده و بی‌آلایش خود را از دست داد (ابن طقطقی، بی تا، ۷۳) و به ملوکیت و پادشاهی مبدل گشت (ابن خلدون، بی تا: ج ۱، ۲۳۸ و ۲۰۲) تقلید معاویه از شاهان ایرانی (کسری) و در زی ایشان درآمدن، وی در زمان عمر بن خطاب و ولایت داری وی در شام تا بدان جا بود که عمر وی را کسرای عرب می‌نامید (همان: ج ۱، ۲۰۲؛ سیوطی، ۱۴۰۶ ق: ۲۱۸) معاویه نخستین ملوک (سیوطی، ۱۴۰۶ ق: ۲۲۲) و کسی بود که برای خدمت به سلطان غلامان و چاکران گماشت و نگهبان مسلح قرار داد و برای سهولت در رسیدن به خبرها از برید استفاده کرد (ابن طقطقی، بی تا: ۱۰۶). وجود تشریفات در نزد امویان رسماً موجب پدید آمدن دیوان خاتم گردید. دیوان از رسوم ایرانیان و به گفته قدامه بن جعفر، زیاد بن ابیه نخستین کس بود که این دیوان را پدید آورد (قدامه، ۱۹۷۹ م: ۲۵۵). جهشیاری از معاویه به عنوان بنیان گذار دیوان خاتم یاد کرده است (جهشیاری، ۱۴۰۸ ق: ۲۲) البته پیش از این پیامبر (ص) نیز برای فرستادن نامه‌های خود از خاتم منقش به کلمه محمد رسول الله استفاده می‌کرد و این انگشتری نزد خلفا بود و نامه‌های خود را بدان مهر می‌کردند تا آنکه عثمان آن را گم کرد (قدامه، ۱۹۷۹ م: ۵۵-۵۶). اشاره کندی به ورود قره بن شریک والی مصر در عهد امویان با هیئتی خاص، درحالی که مأموران برید در معیت او بوده‌اند از سویی نشانگر سازمان‌ها و تشکیلات و مناصب دولتی آن عصر و از سوی دیگر تشریفات دربار اموی است (کندی، ۱۹۰۸ م: ۶۲).

امویان به سرگذشت شاهان قدیم ایران علاقه‌مند بودند. هشام بن عبدالملک (۱۰۵-۱۲۵ ق) در زمان حکومت خود دستور داد کتابی تاریخی از زبان فارسی مربوط به دوران ساسانی را به عربی ترجمه کردند. این کتاب دارای فصولی راجع به روش‌های سیاسی شاهان ساسانی بود (خاورشناسان، ۱۳۳۶: ۱۱۸-۱۱۹). در انشا و ترسل عبدالحمید بن یحیی (کاتب) از جمله دبیران ایران بود که برای انشا مراسلات قوانین خاص وضع

کرد و نزد مروان بن محمد مقامی بلند داشت (ابن الندیم، بی‌تا، ۱۷۰؛ ابن خلکان، بی‌تا، ج ۸، ۳۷۹). باآنکه حکومت اموی یک حکومت عربی بود و موالی را بسیار تحقیر می‌کرد ولی در کار دیوانی و دفتری ناچار از ایرانیان کمک گرفت. بهرام سیس از موالیانی بود که امور جبايت جزیه خراسان بر عهده وی بود. به دلیل تمایل بهرام به آیین قبل از اسلام وی نام نومسلمانان ایرانی را در ذیل جزیه گزاران می‌آورد و کسانی از ایرانیان را که به آئین قبل از اسلام وفادار مانده بودند از مالیات معاف می‌کرد (طبری، ۱۴۰۷ ق: ج ۴، ۸۸). یزید بن اسلم از موالی ثقیف نیز دیوان رسایل را اداره می‌کرد (جهشیاری، ۱۴۰۸ ق: ۳۲) به اعتراف سلیمان بن عبدالملک خلیفه اموی، عرب یک ساعت بی مساعدت ایرانیان نمی‌توانست حکومت کند (ابن الندیم، بی‌تا: ۳۳۵). تعیین ولیعهد از سوی معاویه بن ابی سفیان و رعایت اصل توارث در خلافت (یعقوبی، ۱۳۷۹ ق: ج ۲، ۲۲۸) پس از آن را نباید بی‌ارتباط به برخورد عرب با ایرانیان دانست. چه پیش‌ازاین هم عمر، خود معاویه را کسرای عرب می‌نامید (سیوطی، ۱۴۰۶ ق: ۲۱۸).

دیوان‌ها در ایران تا زمان عبدالملک بن مروان (۶۵-۸۷ ق) به زبان پهلوی نگاشته می‌شد و بیشتر طبقه دهقانان عهده‌دار این امر بودند (جهشیاری، ۱۴۰۸ ق: ۳۱۱) در کوفه و بصره دو دیوان، یکی به عربی برای شمارش مردم و عطایای آن‌ها و دیگری برای اموال بیت‌المال وجود داشت که فارسی بود (همان: ۲۹). در دوران خلافت عبدالملک بن مروان و در سال ۷۸ هجری و ولایت داری حجاج بن یوسف ثقفی، صالح بن عبدالرحمان سیستانی از شاگردان زادان بن فروخ ادعا کرد که می‌تواند دیوان را به عربی برگرداند. ایرانیان سعی بسیار کردند با پرداخت مبلغ گزاف صد هزار درهم وی را از این کار منصرف سازند ولی صالح نپذیرفت و حجاج او را امر به انجام ادعای خود نمود (جهشیاری، ۱۴۰۸ ق: ۲۹ - ۳۰)، ابن الندیم، بی‌تا: ۳۳۸) باآنکه حجاج امور را به عرب سپرد ولی آنان خود را از یاری دهقانان بی‌نیاز ندیدند. چنانچه هنگامی که حجاج کارهای فلوجتین را به عبیدالله بن مخارب سپرد، او از دهقان جمیل بن بصیهری کمک خواست (جهشیاری، ۱۴۰۸ ق: ۳۱). باآنکه دیوان‌ها از دوران عبدالملک به عربی تبدیل شد اما به گفته اصطخری حتی تا قرن چهارم هجری در فارس مکاتبات و مراسلات مردم به زبان پهلوی بوده است (اصطخری، ۱۸۷۰ م: ۱۳۷).

وضعیت اداری و دیوانسالاری در عصر عباسیان (۱۳۲-۶۵۶ ق)

با برآمدن حکومت عباسی شکوه و شأن پادشاهی زیاد شد (ابن خلدون، بی‌تا: ج ۱، ۲۳۸) و در پی آن بر تعداد دیوان‌ها افزوده شد. عباسیان از خاندان‌های بزرگ و صاحب‌نام ایرانی در امور دیوانی خود استفاده فراوان می‌بردند. ابوسلمه خلال وزیر آل محمد (ص) اولین وزیر عباسیان از موالی بود (ابن طقطقی، بی‌تا:

۱۵۳). خالد بن برمک در زمان سفاح اداره امور غنائم، و پس از آن دیوان جند و خراج را عهده‌دار بود. وی امور محول را به خوبی انجام داد و نخستین کسی بود که ثبت در دفاتر را معمول کرد خالد حتی به مقام وزارت نیز رسید و سفاح دختر خود را به همسری وی درآورد (جهشپاری، ۱۴۰۸ ق: ۵۹، ابن طقطقی، بی تا: ۱۵۶). خالد نخستین کسی بود که عنوان وزارت یافت (ابن طقطقی، بی تا: ۱۵۶). بنا به گفته برخی تاریخ نویسان برمکیان از جمله خاندان‌هایی بودند که از زمان پادشاهان ساسانی چون اردشیر بابکان مقام وزارت داشتند (عقیلی، ۱۳۶۴: ۲۶). منصور نیز کار دیوان‌ها همراه با وزارت را به ابو ایوب موریانی (اهوازی) واگذار کرد. نفوذ ابویوب در منصور چنان بود که مردم می‌پنداشتند موریانی، منصور را تسخیر کرده است (جهشپاری، ۱۴۰۸ ق: ۶۴). از خاندان‌های بزرگ ایرانی علاوه بر برمکیان باید از خاندان ذوالریاستین، مادرائیان و فاریابیان یاد کرد. (اصطخری، ۱۸۰۷ م: ۱۴۶). وزیران ایرانی نژاد عباسیان، سعی فراوان در احیای مراسم و آیین ایرانی داشتند و اغلب نویسندگان و مستوفیان هم که ایرانی بودند از نیاکان خود پیروی می‌کردند (امین، ۱۳۵۷: ج ۱، ۱۷۶) و ظاهراً آن‌چنان در این کار مبالغه می‌نمودند که مورد مؤاخذه بزرگان عرب قرار گرفته و صریحاً در نزد خلیفه به تلاش برای تجدید حکومت کسری و ساسانیان متهم شدند (جهشپاری، ۱۴۰۸ ق: ۷۳).

خلفای عباسی وزیران ایرانی خود را بسیار تکریم می‌کردند. جعفر برمکی نزد هارون به چنان مقامی رسید که جعفر بی اذن خلیفه دختر وی را به همسری عبدالملک بن صالح عباسی درآورد و خلیفه آن را تأیید کرد (ابن طقطقی، بی تا: ۲۰۵). فضل بن سهل به آداب پادشاهی بسیار دانا و فردی باکفایت بود فرمان خط و مهر وی در شرق و غرب نفوذ داشت (همان: ۲۲۱ - ۲۲۲). نفوذ وزیران ایرانی در خلفا چنان بود که مأمون با دختر وزیر خود حسن بن سهل ازدواج کرد (همان: ۲۲۲) آداب و تشریفات ورود فضل بن سهل بر مأمون نیز برگرفته از آداب خسروان ایرانی بود (جهشپاری، ۱۴۰۸ ق: ۷۲). رسوم درباری پادشاهان ساسانی نیز مورد تقلید خلفا قرار می‌گرفت که از آن جمله است بار عام دادن شاهان در روز مهرگان و نوروز (نظام‌الملک، ۲۵۳۵: ۵۷). از رسوم ایرانیان آوردن هدیه برای شاهان در نوروز بود که عرب نیز از آن پیروی می‌کرد (بیرونی، ۱۹۲۳ م: ۲۱۷). در تلاش برای استمرار آیین ایرانی احمد بن یوسف وزیر مأمون در نوروز هدیه‌ای به ارزش یک میلیون درهم برای خلیفه فرستاد (ابن طقطقی، بی تا: ۲۲۵). خلفای عباسی در بزرگداشت وزیران ایرانی خود بسیار مبالغه می‌کردند رسم ایستادن خدمتکار (دوات‌دار) نزد وزیر از جمله موارد بزرگداشت وزیران از سوی عباسیان است. مقتدر (۲۹۵-۳۲۰ ق) به هنگام ایستادن وزیر علی بن عیسی به خدمتکار دستور داد دوات را برای او نگه دارد (صابی، ۱۳۷۳ ق: ۶۷ - ۶۸). وزارت در خاندان‌های ایرانی موروثی بود. قمی علاوه بر وزارت مستنصر (۶۲۳-۶۴۰ ق) وزارت پدر و جد وی را نیز عهده‌دار بود (همان: ۳۳۰). در آنچه نهضت ترجمه گفته می‌شود کتاب‌های فراوانی تحت عنوان آداب الملوک و تاریخ الملوک الفرس به عربی ترجمه شد

و مورد استفاده خلفای عباسی قرار گرفت. کتاب «تاج» در تاریخ انوشیروان از جمله این آثار است (امین، ۱۳۵۷: ج ۱، ۱۸۵). به مظلّمه نشستن پادشاهان عجم، داشتن حاجب، انتخاب وزیران باکفایت و سپردن همه امور به ایشان دادن دادگری انوشیروان و مظلّمه دادن او، بار عام دادن شاهان ساسانی در روز مهرگان و نوروز، و دوزانو نشستن پادشاه عجم در برابر موبدان موبد (قاضی القضاة) (نظام الملک، ۲۵۳۵: ۱۸ و ۱۹ و ۳۲، ۴۴، ۵۷) با اعمال برخی خلفای عباسی شباهت فراوان دارد. مثلاً به مظلّمه نشستن مأمون، برپا ایستادن هارون الرشید در برابر قاضی ابویوسف به هنگام قرائت حکم (همان: ۱۷۶) و یا در احراز مناصب، مقام موبدان موبد به عنوان قاضی الفرس به مقام قاضیان و تصدی آن در امور خلافت شبیه است (ابن اعثم، بی تا: ج ۲، ۷۲).

با برآمدن سلسله‌های ایرانی حاکمان این دولت‌ها در راه احیای آیین شاهنشاهی کوشیدند و نسبت به زبان و آداب عرب بی‌اعتنایی می‌کردند. برآمدن حکومت سامانیان (۲۰۴-۳۹۵ ق) که ظاهراً نسب به پادشاهان ایرانی می‌بردند و نیز وجود وزیران آگاه و توانمندی چون جیهانی به استمرار آداب و رسوم ایرانی در دربار ایشان و پس از آن دربار غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان انجامید. چنانچه در زمان همین دولت دیوان‌ها از عربی به فارسی بازگردانده شد (جهشیاری، ۱۴۰۸ ق: ۷۵). یعقوب لیث صفاری (۲۵۳-۲۶۵ ق) نیز از جمله این شاهان بود (تاریخ سیستان، ۲۰۹) مرداویج زیاری (۳۱۵-۳۲۳ ق) نیز در برگزاری جشن سده و آیین قبل از اسلام (حضور در ایوان کسری) مبالغه فراوان می‌نمود (ابن مسکویه، بی تا: ج ۱، ۳۱۷). وجود کلماتی با ریشه فارسی در اصطلاحات دیوانی مسلمانان نشان از تأثیر دیوانسالاری ساسانی در مالیه اسلام دارد. کلماتی چون آوارج معرب آواره فارسی به معنی منقول (= دفتر یادداشت)، رزنامج تاریخ (به معنای نظام و ترتیب) صک (چک)، دستور (دفتری که رونوشت فرمان‌ها و دستورهای سلطان در آن از روی اصل فرمان یادداشت و گردآوری می‌شد)، طسوق (خراجی که برای انواع زراعت در هر جریب تعیین می‌شود، این کلمه را در فارسی تشک (= اجرت و دستمزد) می‌گویند. طسوج (یک‌سوم از یک‌هشتم مثقال) مأخوذ از تسوی فارسی به معنی کرانه، ناحیه یا یک‌چهارم دانگ). برید (بریده ذنب = دم) فرائق (پروانه، نامه‌رسان)، اسکدار (از کوداری) و آن مدرجی بود که در آن تعداد خریده‌ها و نامه‌ها وارد و صادر و اسامی صاحبان آن‌ها نوشته می‌شد، دیوان کستیزود (از کلمه کاست افزود) به معنی کاهش و فزونی دیوانی که خراج تمامی کسانی که مالک آب هستند در آن ثبت می‌گردید (خوارزمی، بی تا: ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۲، ۶۳، ۶۸؛ Hinz, 1970: 54)، از جمله مواردی است که به‌خوبی بیانگر تأثیرگذاری دیوانسالاری ساسانیان در دیوانسالاری اسلامی است.

نتیجه

با توجه به مطالب مطرح‌شده آغاز فتوح عرب و ورود آنان به ایران نه‌تنها موجب از میان رفتن آیین‌ها و سنن شهریار و دیوان باستان نشد بلکه باید آن را یکی از عوامل پایداری فرهنگ و تمدن ملت مغلوب یعنی ایرانیان دانست. رواج سکه‌های ساسانی تا زمان عبدالملک بن مروان (سال ۷۷-۷۹ هجری)، ایجاد دیوان‌هایی مانند دیوان عطا/جند، دیوان خاتم، دیوان خراج و ... گرفتن جزیه متأثر از نظام مالیاتی ساسانیان و خراج متأثر از نظام کشاورزی ایرانیان و مبدأ قرار دادن سال مالی ایرانی (نوروز) برای اخذ خراج، به‌کارگیری تدریجی و استخدام بندگان (غلامان)، نگهداران مسلح و از همه مهتر برید از زمان معاویه، ترجمه کتب از زبان پهلوی به عربی در ارتباط با آداب و تاریخ ملوک فارس، مساعدت دهقانان ایرانی در امور اداری و دیوانی عرب، به خدمت گرفتن وزیران ایرانی در زمان عباسیان، برپاداشتن رسوم درباری همچون بار عام دادن در مهرگان و نوروز، فرستادن هدیه برای حاکمان، به مظلوم نشستن خلفا و داشتن حاجب همه گواهی بر تداوم آیین‌ها و سنن شهریار و دیوان باستان به‌ویژه ساسانیان در خلافت اسلامی است. تأثیر پذیرفتن عرب در اکثر شئون اداری و دیوانی از ساسانیان (ایرانیان)، در نهایت به عظمت و شکوه کم‌نظیر دربار خلفای عباسی بغداد انجامید. قرار گرفتن ایرانیان با کفایت در مصادر امور و راه یافتن ایشان به دربار خلفا و سلاطین مسلمان و در نتیجه استمرار آداب و رسوم ملک‌داری و قوانین و مقررات اداری و مالی ساسانیان، عرب را در ایجاد ساختار حکومتی خلافت بسیار یاری کرد و در این زمینه به اذعان تاریخ‌نگاران و محققان عرب، سهم ایرانیان قابل توجه و غیرقابل انکار است.

منابع

- ابن ابی ربیع، شهاب‌الدین احمد بن محمد (۱۳۳۹)، *سلوک الممالک فی تدبیر الممالک*، مصر، مطبعه کردستان العلمیه، هـ ق الطبعه الاولی.
- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی (بی‌تا)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر.
- ابن اعثم، ابو محمد احمد (بی‌تا)، *الفتوح*، بیروت، دار الندوه الجدیده، الطبعه الاولی.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (بی‌تا)، *مقدمه*، بیروت، مؤسسه اعلمی.
- ابن خلکان، احمد بن محمد (بی‌تا)، و *فیات الاعیان و انبا ابنا الزمان*، احسان عباس، بیروت، دارصادر.
- ابن زنجویه، حمید بن مخلد (۱۴۰۶ هـ ق / ۱۹۸۶ م)، *الاموال*، شاکر ذئب فیاض، مرکز الملک فیصل للبحوث و الدراسات الاسلامیه.
- ابن طقطقی، محمد بن علی (بی‌تا)، *الفخری فی الآداب السلطانیه*، بیروت، دار صادر.
- ابن مسکویه، ابوعلی احمد بن محمد (بی‌تا)، *تجارب الامم*، بغداد، آمد روز.
- ابن الندیم (بی‌تا)، *الفهرست*، مصر.
- ابوریحان بیرونی (۱۹۲۳ م)، *الأثار الباقیه عن القرون الخالیه*، زاخانو، لایپزیک.
- ابوعبید، قاسم بن سلام (۱۹۸۸)، *الاموال*، شرح عبدالامیر علی مهنا، الطبعه الاولی، بیروت، دارالحدائث.
- ابوعلی، محمد بن حسین (۱۴۰۳ هـ ق / ۱۹۸۳)، *الاحکام السلطانیه*، تصحیح محمد الفتی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- اصطخری، ابواسحاق، ابراهیم بن محمد (۱۸۷۰ م)، *مسالك الممالک*، دخویه.
- امین، احمد (۱۳۵۷ هـ / ۱۹۳۸ م)، *ضحی الاسلام*، قاهره، لجنه التألیف و الترجمه و النشر.
- دینکرد (۱۳۹۲)، *بررسی دینکرد ششم*، ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۸۶۵ م)، *فتوح البلدان*، لیدن، دخویه.
- بیهقی، ابراهیم بن محمد (بی‌تا)، *المحاسن و المساوی*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر.
- تاریخ سیستان* (۱۳۶۶)، تصحیح بهار، تهران، پدیده (خاور).
- ثعالبی، ابو منصور (بی‌تا)، *تاریخ غرر السیر (غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم)*، پاریس، زوتنبرگ.
- ثعالبی، ابو منصور (۱۹۹۰)، *آداب الملوک*، تحقیق جلیل العطیه، بیروت، دارالغرب الاسلامی.
- جمعی از خاورشناسان، (۱۳۳۶)، *میراث ایران*، زیر نظر ا. ج آربری، ترجمه بیرشک و دیگران، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- جهشیاری، ابو عبدالله، محمد بن عبدوس (۱۴۰۸ هـ / ۱۹۸۸ م)، *الوزرا و الکتاب*، مقدمه حسن زین، دارالفکر الحدیث.

- حتی، فیلیپ (۱۳۴۴)، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، فرانکلین.
- حلاق، حسان (۱۹۸۶ م)، *تعریب النقود و الدواوین فی العصر الاموی*، الطبعة الثانية، الشركة العالمية، للكتاب.
- خوارزمی، عبدالله، محمد بن احمد (بی تا)، *مفاتیح العلوم*، فان فلوتن.
- رجب‌زاده، هاشم (۱۳۷۷)، *خواجه رشیدالدین فضل‌الله*، تهران، نشر طرح نو.
- سالم، عبدالعزیز (۱۴۰۶ هـ ق / ۱۹۸۶ م)، *تاریخ الدوله العربیه*، دارالنهضة العربیه.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۶ هـ ق / ۱۹۸۶ م)، *تاریخ الخلفاء*، تحقیق قاسم شماعی رفاعی و محمد عثمانی، الطبعة الاولى، بیروت، دارالقلم.
- صابی، ابوالحسن هلال بن محسن (۱۳۸۳ هـ ق / ۱۹۶۴ م)، *رسوم دارالخلافه*، میخائیل عواد، بغداد، مطبعة العانی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۷ هـ ق / ۱۹۸۷ م)، *تاریخ الطبری (تاریخ الامم و الملوک)*، الطبعة الثانية، موسسه عزالدین للطباعة و النشر.
- عقیلی، سیف‌الدین حاجی بن نظام (۱۳۶۴)، *آثار الوزرا*، تصحیح و تعلیق ارموی، چاپ دوم، تهران، اطلاعات.
- عنایت، حمید (۱۳۵۰)، *نهادها و اندیشه‌های سیاسی در ایران و اسلام*، تهران، دانشگاه تهران.
- قدامه بن جعفر (۱۹۷۹ م)، *الخراج و صناعة الكتابه*، شرح و تحقیق محمدحسین زبیدی، بغداد.
- قمی، حسن بن علی (۱۳۱۳ ش / ۱۳۵۳ ق)، *تاریخ قم*، ترجمه طهرانی، طهران، مطبعة مجلس.
- کندی، ابوعمر محمد بن یوسف (۱۹۰۸ م)، *الولاه و القضاء*، تصحیح رفن گست، الابی السوسعین، بیروت.
- مأوردی، ابوالحسن علی بن محمد (۱۴۰۹ هـ ق / ۱۹۸۹ م)، *الاحکام السلطانیه*، تحقیق احمد مبارک بغدادی، الطبعة الاولى، کویت، مکتبه ابن قتیبه.
- مأوردی، ابوالحسن علی بن محمد (۱۹۷۳ م)، *الادب الدنیا و الدین*، محقق مصطفی سقا، قاهره، مصطفی البابی.
- منز، آدم (۱۳۷۷)، هـ ق / ۱۹۵۷ م، *الحضاره الاسلامیه فی القرن الرابع الهجری*، ترجمه به عربی محمد عبدالهادی، ابوریده، قاهره، لجنة التألیف.
- مستوفی قزوینی، حمد بن ابی بکر (۱۳۳۹)، *تاریخ گزیده*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، بی نام.
- مقدسی، شمس‌الدین محمد بن احمد (۱۹۰۶ م)، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، الطبعة الثانية، لیدن، بریل.
- مقریزی، تقی‌الدین، احمد بن علی (۱۴۰۷ هـ ق)، *النقود الاسلامیه*، تحقیق محمد سید علی بحر العلوم، الطبعة الاولى، قم، شریف رضی.
- نخجوانی، محمدبن هندوشاه (۱۹۶۴ م)، *دستورالکاتب فی تعیین المراتب*، به اهتمام علیرزاده، مسکو، بی نام.
- نظام‌الملک (۲۵۳۵)، *سیر الملوک (سیاستنامه)*، به کوشش هیوبرت دارک، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- نقشبندی، ناصر محمود (۱۳۸۹ هـ ق / ۱۹۶۹ م)، *الدرهم الاسلامی*، بغداد، مطبوعات المجمع العملی العراق.
- یحیی بن آدم (بی تا)، *الخراج*، لیدن، جوینبول.

یعقوبی، احمدین واضح (۱۳۷۹ هـ ق/ ۱۹۶۰ م)، *تاریخ الیعقوبی*، بیروت، دارصادر.

Bosworth, C.A, (1978), “*karagh*”, *Encyclopedia of Islam*, vol. IV, Leiden.

Hinz, Walter, (1970), *Islamische Masse und Gewichte*, Leiden/ Koln, Brill.

Kremer, Avon, (1983), *Kultur geschichte d orient*, Dehli.

Rosental, E. i. J. (1958), *Political thought in medieval Islam*, England, Cambridge university press.

Walker, (1967), *A catalogue of the Arabs-Sasanian coins*, London.

Archive of SID